

رابطه معنایی سوره مبارکه فجر با قیام عاشورا

روح الله افضلی گروه*

ایران اسدی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۱۹

چکیده

سوره فجر در مکه نازل شده؛ ۳۰ آیه، ۱۳۹ کلمه و ۵۰۹ حرف دارد، و همانند بسیاری دیگر از سوره‌هایی که در مکه نازل شده، آیاتش کوتاه، تکان دهنده، پر محتوا و همراه با هشدارهای فراوان است. از این جهت این سوره را "سوره حسین بن علی(ع)" نامیده اند که قیام و شهادت آن حضرت در آن تاریکی طغیان، مانند طلوع فجر، از نو منشأ حیات و حرکت گردیده است. در این پژوهش معنی فجر و تعبیر آن، فضیلت سوره فجر، معرفی آن به عنوان حسین(ع)، و ارتباط با شب‌های دهگانه و چند قوم طغیان گر، و ارتباط آن با حسین(ع) بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: سوره فجر، امام حسین(ع)، نفوس مطمئنه، سوگند.

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۳۰ آیه دارد. حجازی تعداد آن را ۳۲، و کوفی شامی ۳۰ آیه، و بصری ۲۹ آیه می‌داند. اختلاف در چهار آیه است و آن عبارت است از «وَنَعَمَهُ» و «فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ» هر دو حجازی، و «بِجَهَنَّمَ» حجازی شامی، «فی عبادی» کوفی (طبرسی، ۲۰۰۶: ۳۶۳). این سوره را از این جهت سوره حسین(ع) نامیده‌اند که قیام و شهادت آن حضرت در آن تاریکی طغیان، مانند طلوع فجر، از نو منشأ حیات و حرکت گردید؛ خون پاک او و یارانش به زمین ریخت و نفوس مطمئنه آن‌ها با فرمان «ارجعی» و با خشنودی به سوی پروردگار شتافت تا همیشه از دل‌های پاک بجوشد و آن‌ها را با هم پیوسته دارد و به آن الهام بخشد، تا از این الهام و جوشش، نور حق در میان تاریکی‌ها بدرخشد و راه حیات با عزت بشود، و پایه‌های ظلم و طغیان بی‌پایه گردد و طاغیان را دچار خشم و نفرین کند (طالقانی، بی تا: ۸۲).

با توجه به آنچه که در تاریخ عاشورا به فراوانی نقل گردیده است که از یک سو این رویداد عظیم تاریخی بر خاندان عصمت و طهارت - علیهم السلام - وارد گردید، که در تاریخ نمونه دیگر ندارد، و از سوی دیگر قربانی بزرگ این حادثه حضرت سید الشهداء - علیهم السلام - بود که در سهمگین‌ترین حالات و لحظات و شکننده‌ترین ماجرای این حادثه، در نهایت اطمینان و آرامش نفس بود، به طوری که در روایت راویان شاهد حادثه آمده است که هرچه این حادثه به پایان خود که شهادت حضرت سید الشهداء(ع) بود نزدیک‌تر می‌شد، چهره دلربای امام، زیباتر و برافروخته‌تر می‌گردید، و برای لقای پروردگار آماده‌تر و از اتفاقات سهمگین و تزلزل‌آفرین آن حادثه در چهره امام، ذره‌ای سستی و ضعف و یا بی‌صبری و جزع و شکوه دیده نشد و در عوض در این ماجرا از ابتدا تا انتها میزان تسلیم و صبر آن حضرت که ناشی از اطمینان و آرامش نفس بود، افزوده‌تر می‌شد.

این جمله آخر آن حضرت در لحظات پایانی عمر شریفش شنیدنی و زیباست: «صبراً علی قضائک یا ربّ لا إله سواک یا غیاث المستغیثین، مالی ربّ سواک و لا معبود غیرک، صبراً علی حکمک»: بر قضای تو شکبیا هستم! پروردگار! معبودی جز تو نیست، ای پناه بی پناهان! من غیر از تو پروردگار و معبودی ندارم، بر خواست و اراده تو شکبیا هستم (شریفی، ۱۴۱۵: ۵۱۰).

معنی فجر و تعبیر آن

«فجر» در لغت به معنی حفر کردن و شکافتن، گناه کردن، طلیعه، صدر، آغاز، سپیده دم، و پگاه است (آذرنوش، ۱۳۷۹)، و در اصل به معنی شکافتن وسیع است. از آنجا که نور صبح، تاریکی شب را می شکافد از آن تعبیر به «فجر» شده است. فجر بر دو گونه است؛ کاذب و صادق. فجر کاذب همان سپیده طولانی است که در آسمان ظاهر می شود، اما فجر صادق از همان ابتدا در افق گسترش پیدا می کند، صفا و نورانیت و شفافیت خاصی دارد، مانند نهر آب زلال افق مشرق را فرا می گیرد، بعد در تمام آسمان گسترده می شود.

فجر را به معنی مطلق آن یعنی سپیده صبح تفسیر کرده اند که مسلماً یکی از نشانه های عظمت خدا است، نقطه عطفی است در زندگی انسان ها و تمام موجودات زمینی، و آغاز حاکمیت نور و پایان گرفتن ظلمت است. آغاز جنبش و حرکات موجودات زنده و پایان یافتن خواب و سکوت است، و به خاطر این حیات، خداوند به آن سوگند یاد کرده است. ولی بعضی آن را به معنی «فجر آغاز محرم» که آغاز سال جدید قمری است تفسیر کرده اند. بعضی گفته اند: منظور شکافته شدن و جوشیدن چشمه سارها از لای سنگ ها است، و برخی دیگر به «فجر روز عید قربان» که مراسم مهم حج در آن انجام می گیرد و متصل به شب های دهگانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۴۲-۴۴۱).

در حدیثی مراد از فجر را حضرت مهدی (عج) دانسته اند: «الفجرُ هو القائمُ علیه السلام» که شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت برچیده خواهد شد (بحرانی، بی تا: ۴۶۱)، و برخی می گویند فجر همان سپیده صبح هر روز است که خداوند به آن قسم یاد فرموده، همانند: «اللیل» چراکه فجر، هنگام انجام آغاز و عبادت بزرگ نماز و روزه است. برخی از مفسران به استناد روایاتی مقصود از فجر را بامداد ماه رمضان و پایگاه محرم و یا سپیده روز جمعه دانسته اند (شریعتی، ج ۲، بی تا: ۵). بنابراین درخشیدن اسلام و نور پاک محمدی (ص) در تاریکی عصر جاهلیت یکی از مصادیق فجر است، و هم چنین درخشیدن سپیده صبح قیام مهدی (عج) و قیام عاشورای حسینی و شکافتن پرده های تاریک ظلم «بنی امیه» و نشان دادن چهره واقعی آن دیو صفتان و تمام انقلاب های راستینی که بر ضد کفر و جهل و ستم در تاریخ گذشته و امروز انجام می گیرد مصداق دیگری از آن محسوب می شود.

فضیلت سوره فجر

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیامبر(ص) می خوانیم: «مَنْ قَرَأَهَا فِي لَيْلِ عَشْرِ عَشْرٍ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ قَرَأَهَا سَائِرَ الْأَيَّامِ كَأَنَّ لَهُ نَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: «کسی که آن را در شب‌های دهگانه (در شب اول ذی الحجه) بخواند خداوند گناهان او را می‌بخشد، و کسی که در سایر ایام بخواند نور و روشنایی خواهد بود برای روز قیامت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۵۵). پیامبر(ص) هم‌چنین فرموده است: «هیچ ایام نیست که خدای تعالی دوست‌تر دارد که بنده در او عمل صالح کند فاضل‌تر از این ایام، و روزه هر روزی برابر است به روزه سالی، و قیام هر شبی از او به قیام شب قدر» (شعرانی، ۱۳۵۹: ۷۲).

در خبر است که رسول خدا را گفتند، جوانی هست که از این ده روز پیوسته روزه دارد، او را بخواند و گفت چه شنیده‌ای در فضل این ایام؟ گفت: یا رسول الله چیزی نشنیده‌ام جز آن نیست که ایام حج و حایان در این ایام در افعال باشند، من نیز خواهم که در چیزی باشم [یعنی در روزه و عبادت و دعا]. گفت: «بشارت باد تو را که هر که یک روز از این ده روز روزه دارد هم‌چنان باشد که صد برده آزاد کند و صد شتر قربان کند و صد اسب در راه خدا بر غازیان وقف کرده چون روز ترویبه باشد، و روزه دارد چنان باشد که هزار برده آزاد کرده باشد و هزار شتر قربانی کرده و هزار اسب در سبیل خدای وقف کرده، و چون روز عرفه روزه دارد هم چنان باشد که دو هزار برده آزاد کرده باشد و دو هزار شتر قربانی کرده و دو هزار اسب وقف کرده بر مجاهدان، و دو سال روزه بنویسند او را یک سال از پیش و یک سال از پس آن» (همان).

در حدیثی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «سوره فجر را در هر نماز واجب و مستحب بخوانید که سوره حسین بن علی(ع) است. هر کس آن را بخواند با حسین بن علی(ع) در قیامت در درجه او از بهشت خواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۵۵)؛ و در حدیث دیگر می‌فرماید: «هرکس در خواندن سوره فجر مداومت داشته باشد، با امام حسین در درجه‌اش در بهشت خواهد بود، به درستی که خداوند بر هر چیز توانا و به هر امری دانا است». در بسیاری از کتب تفسیر و حدیث و تاریخ، امام حسین(ع) از جمله مصادیق بارز آیه تطهیر، مباحله، مودت، اطعام و کلمات و آیات پایانی سوره فجر دانسته شده است (بحرانی، ج ۴، بی تا: ۴۶۲-۴۶۱).

در فضیلت این دهه [لیالی عشر] در کتاب «یواقیت الحکمة» آمده است که هر که در این ده روز روزه دارد خدای تعالی او را ده کرامت بدهد: ۱. بر عمرش برکت دهد. ۲. در مالش بیفزاید. ۳. عیالش را نگهدارد. ۴. سیئاتش را مکفر گرداند. ۵. حسناتش را مضاعف کند. ۶. سکرتهای مرگ بر او آسان کند. ۷. در ظلمات عرصات و تاریکی قیامت او را روشنایی دهد. ۸. ترازوی حسناتش گران بار کند. ۹. از درکات دوزخش نجات دهد. ۱۰. به درجات بهشتش برساند (شعرانی، ۱۳۵۲: ۷۳).

به هر حال این همه پاداش و فضیلت از آن کسانی است که تلاوت آن را مقدمه‌ای برای اصلاح خویش و خودسازی قرار دهند.

معرفی سوره فجر به عنوان حسین بن علی (ع) و ارتباط با شب‌های دهگانه

معرفی این سوره به عنوان سوره حسین بن علی (ع) ممکن است به خاطر این باشد که مصداق روشن «نفس مطمئنه»، که در آخرین آیات این سوره مخاطب واقع شده است، حسین بن علی (ع) باشد. نفسی که با علاقه‌مندی و یاد پروردگارش آرامش و سکون یافته و آنچه خداوند برایش پسندد، رضایت می‌دهد و خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ نفع و ضرری برای خود نیست، و دنیا و همه ما فیها را یک زندگی مجازی و مقدمه‌ای برای آخرت می‌بیند. در نتیجه نعمات و توانگری، او را به کُفر و طغیان نمی‌کشاند و نه فقر و تنگدستی، باعث ناشکری و کفران او می‌شود، بلکه در هر حالت بر عبودیت پا بر جاست و از صراطِ مستقیم انحراف نمی‌یابد.

به هر جهت از همان لحظه‌ای که نفوس مطمئنه زنده می‌شوند، تا لحظه‌ای که وارد بهشت می‌گردند، و بلکه از همان لحظه که مرگشان فرا می‌رسد تا وقتی که به بهشت جاوید وارد می‌شوند به آن خطاب می‌رسد که ای نفس مطمئنه، به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از خداوند راضی هستی، و به قضا و قدر تکوینی و تشریحی او رضایت داری و هیچ حادثه ناگواری تو را به خشم نمی‌آورد و هیچ مصیبتی قلبت را منحرف نمی‌سازد، و هم خدای تعالی از تو راضی است، چون تو از روش بندگی عدول نکرده‌ای، آن وقت در مقام تکریم و احترام از ناحیه پروردگارش مخاطب قرار می‌گیرد که «حالا که تو با حالت راضی و مرضی به سوی من باز می‌گردی، پس در زمره بندگانم در آی و در بهشت من داخل شو».

لذا صاحب نفس مطمئنه در زمره بندگان خدا و حائز مقام عبودیت است، و این کلام در حقیقت امضا و تأیید عبودیت اوست، و منزلگاه ابدی او را معین می‌کند و باید هم همین‌طور باشد، چون بنده‌ای که به کلی از ادعای استقلال منقطع گشت، و خود را فانی دید و ذات و صفات و افعال خود را ملک مطلق پروردگارش دانست، مظهر کامل عبودیت است (مشایخ، ۱۳۸۷: ۷۶۶-۷۶۵). با نگاهی به شب عاشواری حسینی نشان می‌دهد که این شب را *ابا عبدالله* چقدر برای خودش نگه داشت، برای استغفار، برای دعا، برای مناجات، برای راز و نیاز با پروردگار خودش (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۸۴).

طمأنینه حسین بن علی (ع) روز عاشورا است؛ روز عاشورا روز معراج حسین (ع) است، روزی که ما باید از روح حسین، از غیرت حسین، از مقاومت حسین، از شجاعت و دلیری حسین، از روشن‌بینی حسین پرتوی بگیریم و بیدار شویم. چیزی که در روز عاشورا بیش از هر چیز دیگر جلوه گر و نمایان است طمأنینه حسین، اطمینان حسین، آرامش و استقامت حسین است.

امام حسین (ع) در روز عاشورا چنان قدم بر می‌دارد که گویا آینده روشن یعنی آثار نورانی نهضت خودش را به چشم می‌بیند، او شک نداشت که با همین شهید شدنش پیروز شد. شک نکرد که روز عاشورا پایان این است که باید هر چه دارد در راه خدا بدهد. روز عاشورا آغاز بهره‌برداری از این نهضت (امر به معروف و نهی از منکر) است. کشته شدن *امام حسین (ع)* همانا، و پیدا شدن جنبش‌ها و حرکت‌ها و همدردی‌ها و همدلی‌ها و طغیان‌ها علیه دستگاه اموی همان. یا به خاطر «لیالی عشر» (شب‌های دهگانه)؛ یکی از تفسیرهای شب‌های دهگانه آغاز محرم است که رابطه خاصی با حسین (ع) و عاشورای حسینی که آرام آرام از پس سپیده بر دمید تا خورشید روز جمعه دهم محرم، با پاک‌ترین خون‌های عالم چهره‌اش را خضاب کرده است دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۵۸).

برخی گویند: «لیالی عشر» (شب‌های دهگانه) همان شب‌های دهگانه ذی‌الحجه است، که شاهد بزرگ‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین اجتماعات عبادی سیاسی مسلمین جهان است. خداوند در آخرین سوگند می‌فرماید: «و قسم به شب هنگامی که به سوی صبحگاهان و روشنایی روز پیش می‌رود».

در اینجا راه رفتن را به خود شب نسبت داده است. گویی شب موجود زنده ای است و دارای حس و حرکتی که در تاریکی خود گام بر می‌دارد، و به سوی صبحی روشن حرکت می‌کند. هم‌چون شب عاشواری حسینی به پایان رسیده و سپیدی روز دهم محرم دمید، حضرت سیدالشهداء نماز بگذاشت پس از آن به تعبیه (آماده کردن) صفوف لشکر خود پرداخت، آنگاه فرمود: «سوگند به خدایی که شما بعد من فراوان زنده نمانید روزگار آسیای مرگ بر سر شما بگرداند، و شما مانند میله سنگ آسیا در اضطراب باشید و با اتباع خود هم دست شوید، و مشورت کنید تا امر بر شما پوشیده نماند. پس قصد من کنید و مرا مهلت ندهید همانا من نیز توکل کرده‌ام بر خداوندی که پروردگار من و شما است، که هیچ متحرک و جاندار نیست مگر آنکه در قبضه قدرت اوست و همانا پروردگار من بر طریق مستقیم و عدالت دستورات است جزای هر کس را مطابق کار او می‌دهد».

مفسران می‌گویند، اگر الف و لام در «اللیل: شب» به معنی عموم باشد تمام شب‌ها را شامل می‌شود که خود آیتی است از آیات خدا، و پدیده‌ای است از پدیده‌های مهم آفرینش. و اگر الف و لام عهد باشد اشاره به شب معینی است، و به تناسب سوگندهای گذشته منظور شب عید قربان است که حاجیان از عرفات «مزدلفه» (مشعر الحرام) حرکت و بعد به سوی سرزمین منی روانه می‌شوند، و بعد از ذکر این قسم‌های پر معنی و بیدادگری می‌افزاید! «آیا در آنچه گفته شده سوگند مهمی برای صاحبان عقل و خرد وجود ندارد».

«حجر» در اینجا به معنی عقل است و در اصل به معنی «منع» می‌باشد. چون عقل انسان را از کارهای نادرست منع می‌کند از آن تعبیر به حجر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۶۵-۴۶۲). با فکر و اندیشه و درایتی که / امام حسین (ع) داشت هیچ کدام از موانعی که در راه قیام بود باعث نشد که او در برابر بیدادگری و ستم‌های فرمانروایان ستمگر (معاویه، زیاد بن ابیه و یزید) سکوت کند و با تمام وجود در برابر بیدادگری‌های آنان به مبارزه پرداخت.

اقوام طغیانگر در این سوره و ارتباط آن با امام حسین (ع)

خداوند در این سوره به چند قوم نیرومند که هر کدام برای خود قدرتی عظیم داشتند، اما بر مرکب غرور سوار شدند و راه طغیان و کفر را پیش گرفتند اشاره می‌کند. نخست می‌فرماید: «آیا

ندیدی پروردگارت به قوم عاد چه کرد؟: ﴿الْمَرْكِبُ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ منظور از «رؤیت» در اینجا علم و آگاهی است، البته مخاطب در این آیه پیامبر(ص) است ولی هشدار است برای همگان. سپس اشاره به دومین گروه طغیانگر «قوم ثمود» دارد. همان قومی که صخره‌های عظیم را در وادی می‌بریدند و از آن خانه‌های مطمئن و کاخ‌ها می‌ساختند؛ و در پایان به سومین قوم طغیانگر پرداخته، می‌گوید: «هم‌چنین فرعون صاحب قدرت»: ﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾. آیا ندیدی خداوند با قوم قدرتمند و ظالم و بیدادگر چه کرد؟ چرا فرعون را «ذی الأوتاد» گفته‌اند؟ یکی اینکه فرعون دارای لشکر فراوانی بود که بسیاری از آن‌ها در خیمه‌ها زندگی می‌کردند. چادرهای نظامی که بر پا می‌کردند را با میخ‌ها محکم می‌کردند، و دوم اینکه بیش‌ترین شکنجه فرعون به کسانی که مورد خشم قرار می‌گرفتند به این شکل بود که آن‌ها را به چهار میخ می‌کشید و دست و پای آن‌ها را با میخ به زمین می‌بست، و دیگر اینکه «ذی الأوتاد» کنایه از قدرت و استقرار حکومت است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۵۹).

سپس در یک جمع‌بندی به اعمال این سه قوم اشاره کرد و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ظَعَوْا فِي الْبِلَادِ﴾ و ﴿فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ﴾؛ فساد شامل هر گونه ظلم و ستم و تجاوز به هوسرانی و عیاشی می‌شود. سپس در یک جمله کوتاه و پر معنی به مجازات دردناک همه این اقوام طغیانگر اشاره کرده است و می‌فرماید: «خداوند تازیانه عذاب را بر آن‌ها فرو ریخت»، تعبیر «صب» در اینجا اشاره به شدت استمرار عذاب است و ممکن است تطهیر صفحه زمین از وجود این طغیان باشد.

در سوره فجر خداوند به سه قوم طغیانگر اشاره کرد، در دوره/امام حسین(ع) هم فرمانروایان ستمگر بودند من جمله معاویه که به عنوان حاکم بردبار و اهل جود و حکمت معرفی می‌شد، و از طرف دیگر انسان‌های مظلوم و حق طلب را با نیرنگ به حال نماز دست بسته گردن می‌زد، و آنچه برای او اهمیت داشت اعمال قدرت و استعباد مردم و برداشت از بیت المال بدون هیچ‌گونه حساب و کتابی بود. عدالت که باعث حرمت جان و آبروی افراد می‌شود وجود نداشت. او در هزینه کردن بیت‌المال دستی گشاده داشت.

دومی زیاد بن ابیه، حاکم جلاذ و ستمگر معاویه که در برابر اعتراضی سرها از تن جدا می‌کرد. از دیگر قدرت طلبان دستگاه معاویه، معیره، مرد ستمگر، عظیم الجثه، و حيله‌گر بود که بعد از صلح/امام حسن(ع) حاکم کوفه شد. سلطنت معاویه و یزید توانسته بود، برخی باورها و گرایش‌ها

را در جامعه آن روز تبدیل به فرهنگ کند. باورهایی که عمیق و ماندگار شده بود؛ دنیا طلبی گرایش غالب مردم بود. این واقعیت تلخ در جای جای سخن امام حسین(ع) هویداست. امام در مورد اعمال آن ستمگر به ویژه یزید اشاره می کند که جوان سگباز، شرابخوار، میگسار، بوالهوس و... است که عمرش با خوشگذرانی سپری می شود، فساد و بدعت به طور آشکار رخ نشان می داد و هیچ گونه ملاحظات ظاهری نیز در کار نبود؛ مانند فساد اداری، ظهور فساد و شرابخواری در دولتمردان، به قدرت رسیدن منافقان، ... که یکی از انگیزه های قیام عاشورازنده نگه داشتن ارزش های اخلاقی و مبارزه با فساد اخلاقی است زیرا اگر جامعه ای با ارزش های صحیح اخلاقی رشد کند و ارزش ها در آن جامعه حاکم شود رستگار خواهد شد.

در آخرین آیه مورد بحث به عنوان هشدار اشاره می کند: «مسلماً پروردگار تو در کمینگاه است». گمان نکنید کسی می تواند از چنگال عذاب الهی بگریزد، همه در قبضه قدرت او هستند و هر وقت اراده کند آن ها را مجازات می نماید. بدیهی است که خداوند مکان ندارد و در گذرگاهی نمی نشیند، کنایه از احاطه قدرت پروردگار به همه جباران و مجرمان است؛ و خداوند جنایتکارانی که امام را تنها گذاشته، و به وعده هایشان عمل نکردند را به عذابی دردناک دچار کرد. اگر خدا الان شما را به گناهی که مرتکب شدید عذاب نمی کند، آسوده خاطر نباشید، خدا کیفر گناهان را فوری نمی دهد، اما خون مظلومان را هم بی کیفر نمی گذارد. خدا حساب همه چیز را می داند.

امام حسین(ع) در رابطه با عذاب الهی و امتحان که معیار ثواب و عقاب الهی است در روز عاشورا می فرماید: «ای اهل کوفه! من انذار می کنم شما را از عذاب خدا، همانا حق است بر هر مسلمانی نصیحت و خیر خواهی برادر مسلمانش، و همه ما تا به حال بر یک دین و یک ملتیم و با هم برادریم تا شمشیر در بین ما کشیده نشده، پس هرگاه بین ما شمشیر واقع شد برادری ما از هم گسیخته خواهد شد و ما یک امت و شما امت دیگر خواهد بود. همانا مردم بدانید که خداوند ما و شما را مورد امتحان قرار داده به ذرّیه پیغمبرش تا ببیند ما چه خواهیم کرد».

امام حسین(ع) پس از آزمودن یاران و بازسازی دل ها و بشارت به شهادت و بهشت جاویدان، لشکر اندک محدود خود را سازماندهی کرد، پس فرمان جنگ داد تا از عترت پیامبر دفاع نماید. خداوند در سوره فجر به ستمگران و طغیانگران اخطار می دهد که سرانجام قیامتی در کار است، و حساب و کتاب و مجازات شدیدی در پیش است، باید خود را برای آن آماده کنید کسانی که از

این امتحان (چه فقر و ناتوانی و چه ثروت و قدرت) بر آیند، افراد قابل اعتماد متقی و پرهیزکار و بهترین دوستان محسوب می‌شوند. در آیات دیگر به مسأله امتحان که معیار ثواب و عقاب الهی است می‌پردازد. نخست می‌فرماید انسان هنگامی که پروردگار او را برای آزمایش اکرام کند و نعمت بخشد مغرور می‌شود، و می‌گوید: «خداوند مرا گرامی داشته است»، او نمی‌داند که آزمایش الهی گاهی با نعمت است و گاه با انواع بلا، نه روی آوردن نعمت باید مایه غرور گردد، نه بلا مایه یأس و نومیدی، ولی انسان کم ظرفیت در هر دو حال هدف آزمایش را فراموش می‌کند، به هنگام روی آوردن نعمت چنان می‌پندارد که مقرب درگاه خدا شده و این نعمت دلیل بر آن قرب است.

اما هنگامی که برای امتحان روزی را بر او تنگ بگیرد مأیوس می‌شود و می‌گوید: «پروردگار مرا خوار کرده است»؛ این دو آیه هشدار می‌دهد که نه اقبال نعمت دلیل بر تقرب خداست و نه ادبار نعمت دلیل بر دوری از حق، این‌ها موارد مختلف امتحان الهی است. خداوند بعد از ذکر عذاب وحشتناکی که دامان طغیانگران را در قیامت می‌گیرد، در آیات پایانی سوره به نقطه مقابل آن پرداخته و از نفوس مطمئنه و مؤمنانی که در میان این توفان عظیم از آرامش کامل برخوردارند، پرداخته و آن‌ها را با یک دنیا لطف و محبت مخاطب ساخته، می‌فرماید: «ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است».

نتیجه بحث

سوره فجر یادی از شب‌های دهگانه می‌کند؛ شبهای دهه محرم نیز فجر آفرین انقلاب اسلامی، ظلمت شکن و ستم سوز بود. سوره فجر، از فرعون مصر یاد می‌کند که قدرت و سپاه و سلطه‌ای چشمگیر داشت. دهه فجر انقلاب نیز بساط سلطنت طاغوت را در هم نوردید و آنگونه که سید الشهداء خورشیدی بود که با فروغش، فجر ایمان و جهاد در دل‌ها دمید، امام امت نیز به ایران بازگشت و این دهه فجر «ولیا لعش» زوال ابدی سلطه شاهان را رقم زد.

دهه فجر جان سیراب زمان بود از کوثر «ولایت فقیه». سوره فجر سوره پیروزی عدالت مظلوم و نوید صبح صادق و راستی بود. میان شب ظلمانی و فجر نورانی درگیری همیشگی جاری

است. ولی آنچه سیاه شب را می‌دَرَد، تیغ سحر و فجر است. عاشورای حسینی همان تیغ شب‌شکن تاریخ در سینه ظلمتِ ستم بود. آن‌ها هم که در رکاب «خون خدا» جان باختند، جان‌های خدایی داشته‌اند و شمع جمع‌شان حسین بن علی(ع) بود، آن نفس مطمئنه الهی! پایان سوره فجر خطاب به نفس مطمئنه است. تا راضی و مرضی به سوی خدا باز گردد و در بهشت برین جای گیرد.

در فجر عاشورا نفس مطمئنه حسینی، به ملکوت خدا و بهشت برین پر گشود. یاران شهیدش نیز هاله مقدس آن فروغ خدایی بودند که به سوی جنت موعود پر کشیدند. در این سوره تعلق به دنیا بدان جهت که طغیان و کفران به دنبال دارد مذمت شده، و اهل دنیا را به شدیدترین عذاب دنیا و آخرت تهدید نموده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آذر نوش، آذرتاش. ۱۳۷۹ش. فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نی.
- استادی، رضا. ۱۳۸۱ش. زندگانی چهارده معصوم. قم: دفتر نشر مصطفی.
- بحرانی، سید هاشم. بی تا. البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- _____ . ۱۳۸۷ش. تفسیر برهان. تهران: عزیزی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی. ۱۳۸۱ش. امام حسین(ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت. تهیه و تنظیم علی جعفری. تهران: تدوین و نشر علامه جعفری.
- دشتی، محمد. ۱۳۸۸ش. انگیزه قیام عاشورا. قم: نشر امیرالمومنین(ع).
- زمخشری، محمود بن عمر. بی تا. تفسیر کشاف. ج ۴. تهران: ققنوس.
- شربعتی، محمدتقی. بی تا. تفسیر نوین. ج ۲. قم: دفتر فرهنگ اسلامی.
- شریفی، محمود و آخرون. ۱۴۱۸ق. موسوعة کلمات الامام الحسین. قم: دار المعرفه.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن. ۱۳۵۲ش. تفسیر شیخ ابوالفتح رازی. تهران: اسلامیه.
- طالقانی، سید محمود. بی تا. پرتوی از قرآن. ج ۴. (ذیل تفسیر سوره فجر).
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۸۲ش. تفسیر المیزان. ج ۲۰. قم: دار العلم.
- طبرسی، فضل بن حسین. ۲۰۰۶م. مجمع البیان. ج ۱۰. بیروت: دار الترضی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۳۸۶ش. مفاتیح الغیب. ج ۳۱. تهران: اساطیر.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳هـ.ق. بحار الانوار. ج ۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد. ۱۳۷۴ش. آشنایی با سوره فجر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴ش. حماسه حسینی. قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶ش. برگزیده تفسیر نمونه. ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.